



# معاذ



آية الله جوادی آملی

## موانع یاد معاد

موانع یاد معاد چیست ؟

موانعی که قرآن مطرح می کند سه قسم است :

- ۱- موانع فکری و استدلالی فکری .
- ۲- محرومیتها و شکنجهها و ناکامیها .
- ۳- خوشگذرانیها و عیاشیها و خود-کامیها و سرگرمیها .

قرآن این موانع را یکی پس از دیگری بررسی می کند و می فرماید : شبهه های فکری را با بینائی که انبیا آورد مانند بخوبی می توان حل کرد و محرومیتها را با پیاد " معاد " بخوبی می شود تحمل کرد و از خوشگذرانیهای زود گذر هم با یاد معاد می توان صرف نظر نمود ( که از هر نمونه شواهدی گذشت ) .

### دنیا زدگی

در اینجا برای تکمیل شدن آن بحثها ، نمونه رایجی را که اکثر مردم به آن گرفتارند و قرآن هم بیشتر در آن نمونه بحث می کند نقل می کنیم :

هدف رسالت عامه انبیا نورانی شدن مردم است ، همچنانکه خداوند بر رسول الله - صلی الله علیه و آله - فرمود :

" انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور باذن ربهم الی صراط العزیز الحمید " ( ۱ ) .

و به موسی کلیم (ع) فرمود :

" ولقد ارسلنا موسی بآیاتنا ان اخرج قومک من الظلمات الی النور و ذکرهم با یام اللہ ان فی ذلک لآیات لکل صابر شکور " ( ۲ )

و در نتیجه نورانی شدن ، مردم قیام به قسط می کنند و مهمترین عاملی که در تحقق این هدف نقش دارد " ذکری الدار " است ( نه فرد و جامعه ) . و قبلا شواهد زیادی از قرآن کریم ذکر شد که این عامل در مبارزه و جهاد اصغر افراد مستضعف علیه ظلم و در پیروز شدن در جبهه جهاد اکبر علیه هوسهای درون نقش دارد .

" و ما اوتیتم من شیء فمتاع الحیوه " " الدنیا و زینتها و ما عند الله خیر " " و ابقی افلا تعقلون " ( ۳ )

- آنچه به شما داده شده تمتع و لذت بردن و بهره برداری دنیا است . . . . . اولاً : هرگز میندازید که خودتان کسب کرده اید ، چون آنچه دارید به شما داده اند نه اینکه خودتان پیدا کرده اید . حرف قسارون را نزنید که ما خودمان فراهم کردیم بانیها ؛ آنچه عندالله است خیر است و عقل ، آنرا اختیار می کند که باقی است و از بین نمی رود . در جای دیگر می فرماید :

" زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و القناطیر المقنطره من الذهب و الفضة و الخیل المسمومه و الاانعام و الحرت " " ذلک متاع الحیوه الدنیا و الله عنده " " حسن العآب " ( ۴ )

بعد از اینکه زمینها را بر شما خرده است می فرماید : این متاع حیات دنیا است و " اوب " و رجوع خوب پیش خدا است . نظیر



" و لاتنس نصيبك من الدنيا واحسن  
 " كما احسن الله اليك ولا تبغ الفساد في  
 " الارض ان الله لا يحب المفسدين " (۱۰)

— قوم قارون او را نصيحت کردند که از این نعمتی که خدایه تو داده، راه آخرت را طی کن و یاد قیامت باش و کار خیر انجام بده که تا ابد راحت باشی و بهره‌ای هم که از دنیا داری فراموش نکن. اما هدف این باشد که به " یاد معاد " باشی و آنجا را تأمین کنی، همانطوری که خدا به تو نیکی کرده و نعمت را به تو داد، تو هم نیکی کن. در آیه ۷۶ فرمود: انسان مسرور، محبوب نیست و در آیه ۷۷ می‌فرماید: انسان مفسد، محبوب نیست. فرق در این است که آنجا (آیه ۷۶) مقام وصف است یعنی نشاطی که در دل داری سو را از محبوبیت طرد نکند و اینجا (۷۷) در مقام فعل و کار است یعنی کاری که با دست و پایت انجام دادی ترا از محبوبیت طرد نکند.

### لذات و متاع دنیا وسیله است

انسان برای لذت دنیا خلق نشده است بلکه لذات دنیا برای این است که انسان بتواند به حیات خویش ادامه دهد. یکی از حکما در این قسمت بنامی دارد:

انسان وقتی لذت می‌برد این مزد باری است که برده است، خیال می‌کند برای این لذت زنده است.

### توضیح این کلام:

— انسان تا زنده نباشد نمی‌تواند در راه راست و تحصیل سعادت کوشش کند.  
 — انسان نظیر فرشته نیست که بدون خورد و خواب و پوشاک بتواند زنده بماند.  
 — تهیه پوشاک و خوراک دشوار است. اگر کار سخت را تحمل نکند و غذای تهیه نکند نمی‌تواند زنده بماند. حال چه زمینه‌ای لازم است که غذا تهیه کند و بخورد و بماند و به هدف برسد؟ باید لذتی هم برد. آن لذت مزد این کارها است.  
 در نظام آفرینش، خداوند بدنسال

" ان قارون كان من قوم موسى فبغى  
 " عليهم و اتيناه من الكنوز ما ان  
 " مفاتحه لتنوا بالعصبه اولى القوه  
 " اذ قال له قومه لا تفرح ان الله  
 " لا يحب الفرحين " (۷)

— "قارون" سرمایه‌دار معروف از قوم موسی بود و به حسب ظاهر هم به موسی کلیم ایمان آورد ولی خود کامی و ستم و بغی کرد، روی تکاثر در ثروت یا جهات دیگر، چون ثروت، بغی و ستم می‌آورد. آنقدر از کنوز دنیا بعنوان آزمایش سه او دادیم که مفاتح (۸) آنرا یک گروه نیرومند با زحمت حمل می‌کردند، قوش‌ها و گاوگفتند: اینقدر عیاش نباش، زیرا آنها که سرگرم لذات طبیعتند محبوب خدا نیستند.

این آیه:

" اقمن وعدناه وعدا حسنا فهو لاقبه  
 " كمن متعناه متاع الحيوه الدنيا ثم هويوم  
 " القيامة من المحضرين " (۵)  
 — آنکس که ما به او وعده نیک دادیم و او هم حتماً به این وعده نیک می‌رسد آیا مثل کسی است که مقداری از نعمات دنیا برخوردار بود و بعد برای سؤال و بازخواست در قیامت احضار شده است اینها برابر همدند؟

این یک خط کلی و برنامه اصل است که

## دنیایانین ترین و نازلترین عالم از عوالم هستی

است. در هیچ عالمی خدا معصیت نمی‌شود جز در دنیا و از پستی آن همین بس که انسان به ما عنده الله نمی‌رسد مگر به ترک آلودگی دنیا.

اگر کسی به وعده‌های الهی اعتماد کرد و سیر بود، برابر نیست با کسی که سرگرم لذات دنیا شده است و در قیامت برای سؤال احضار می‌شود.

عوالم هستی را که بررسی کنیم، نازلترین عالم همین دنیا است که از این پائین تر عالمی نیست. علی (ع) می‌فرماید: " من هو ان الدنيا على الله انه لا يعصى " الا فيها ولا يخال ما عنده الا بترکها " (۶)  
 — در هیچ عالمی خدا معصیت نمی‌شود جز در دنیا، و از پستی آن همین بس که انسان به ما عنده الله نمی‌رسد مگر به ترک آلودگی دنیا.

و از این نوع تعبیرات در جوامع روایی ما بسیار است.

در سوره فجر می‌فرماید:

" فاما الا انسان اذا ما ابتلى ربه  
 " فاكرمه و نعمة فيقول ربى اكرمنى و  
 " اما اذا ما ابتلى فقدر عليه رزقه  
 " فيقول ربى اهاننى " (۹)

— ما به هر کس نعمت می‌دهیم جز عنوان آزمایش اثر دیگری ندارد، همه امتحان الهی است، هر کس را خدا به نعمت باسلب نعمت امتحان کرد باید از عهده امتحان بدر آید بعد می‌فرماید: کلا... " کلا " حرف ردع است، یعنی هر دو گمان غلط است، نه آنها عند الله می‌گردند و نه اینها موهون عند الله هستند بلکه هر دو بعنوان امتحان است و بس.

" وابتغ فيما اتىك الله الدار الآخرة "



کارهایی که تحمل آن مشکلاتی دارد لذا ذاتی موقتی قرار داده است تا انسان بار سنگین را ببرد نه اینکه برای این لذت موقتی خلق شده باشد و گرنه این در حیوانات و گیاهان نیز هست بلکه خیلی قویتر از انسان بنا بر این آنچنان نیست که انسان برای خوردن باشد. می خورد که زنده بماند نه اینکه زنده است که بخورد لذا از حکیمی پرسیدند چرا اینقدر کم غذا می خوری؟ گفت: " هذا المقدار من الطعام يحملك و ما زاد عليه تحمله " - این برای مانسدن است و همین مقدار کافی است، زیادتر از این انسان حمال او است در فراهم کردن، انبار کردن، پختن، سرفره آوردن و... انسان در ماه مبارک رمضان که یک مقدار کمتر غذا می خورد اگر حالش سالمتر از ایام دیگر نباشد یقیناً بدتر نیست. تجربه نشان می دهد که انسان با اعتدال در خوراک می تواند خوب زندگی کند و بهتر بفهمد. هرگز آدم پرخور آن هوش الهی را ندارد که مطالب دقیق را بفهمد. در این قسمت روایتی وارد است:

" ما ملاه ابن آدم وعاء شراب من بطنه " - انسان هیچ ظرفی را بدتر از شکم پر نمی کند. همیشه انسان تو خالی از شکم و فخر فروشی لذت می برد و همیشه لذتهای بیرونی در اثر کمبود درونی (گوهر گرانمایه علم و معرفت) است. اگر انسان در درونش کمبود نداشته باشد به فکر بیرون نیست، وقتی که انسان لذت می خواهد اگر در درون جانش لذت را پیدا نکرد، به فکر لذات کاذب می رود که آنها هرگز کمال او را تأمین نمی کنند. آنها باز دارند، اهداف انبیا هستند، هدف انبیا کمال درونی است:

" يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم " (۱۱) - بفکر جانان باشید، اهل محاسبه باشید که چه چیز تهیه کرده اید، بفکر این نباشید که بیرون چه خبر است بلکه بفکر درون باشید " ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون " (۱۲)

- انسان با تقوی به فکر درون خویش است تا یک شیطانی با لباس مذهبی احرام بست و می خواهد از حرم کعبه او طواف کند می فهمد و طردش می کند.

دنباله جریان قارون - به قارون هم گفتند: قیامت را فراموش نکن در جواب گفت:

" انما اوتيته على علم عندى ولم يعلم " " ان الله قد اهلك من قبله من القرون " " من هو اشد منه قوة واكثر جمعا و " " لا يسئل عن ذنوبهم المجرمون " (۱۳)

- من خودم با آن توان فکری و عملی که داشتم این مال را تهیه کردم و در مصرف آن هم آزادم، نیازی به ارشاد ندارم. در جواب به او گفته شد: آیا او سیری در عالم نکرد که از او سرمایه دارتر را خدا به خاک سپرد اگر چه او هم از نظر سرمایه قدرتمند است. " ولا يسئل عن ذنوبهم المجرمون " (۱۴)

" فخرج على قومه في زينته قال الذين يريدون الحياة الدنيا يا ليت لنا مثل ما اوتى قارون انه لذو حظ عظيم ، و " " قال الذين اوتوا العلم ويلكم ثواب الله " " خير لمن امن وعمل صالحا ولا يلقها " " الا الصابرون " (۱۵)

- او بعنوان تظاهر و نکات در ثروت با همرا هانش غرق در زینت در بین مردم حرکت می کرد، کونه نظران وقتی این منظره را مشاهده می کردند می گفتند: ای کاش ما هم می داشتیم چون او بهره عظیمی دارد (۱۶) آنها که از علم (۱۷) برخوردار بودند با انسان خیلی قاطع گفتند: این چه حرفی است که می زنید؟ چرا به یاد معاد

نیستید؟

آنان خودشان هوس نکردند و جلو هوسبازان را گرفتند.

اینجا است که یاد معاد اثر دارد:

نمی گذارد انسان هوسباز باشد. جلو انسان هوسباز را می گیرد.

یاد معاد است که می گوید: در برابر قارون بایستید و اینچنین حرف بزنید پس "ذکری الدار" است که هم حافظ انسان است و هم عامل قیامت در مقابل متکاثر که نمی گذارد به خودگامگیش ادامه دهد.

خردمندان گفتند:

" ثواب الله خير لمن امن وعمل صالحا " و ثواب الله را کسانی که هم در طاعت صابرنند و هم بر معصیت صابرنند و هم عند المعصية صابرنند، می توانند درک کنند.

عمل باید با حسن فعلی و فاعلی توأم باشد

در سراسر قرآن کریم ایمان با عمل صالح کنار هم ذکر شده:

" ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا "

" وعملوا الصالحات " (۱۸)

" من عمل صالحا من ذكرا او انثى و "

" هو مؤمن فلنحبيبه " (۱۹)

قرآن به مؤمن بها نمی دهد، قرآن به کسی که کار خوب می کند ارزش نمی دهد،

وقتی که انسان لذت می خواهد، اگر در

درون جانش لذت را پیدا نکرد، به فکر لذت کاذب

می رود که آن هرگز کمال او را تأمین نمی کند.



"الله علينا لطف بنا ويگانسه"

"لا يفلح الكافرون" . ( ۲۲ )

آنها که کوفته نظر بودند و تا دیروز می گفتند : ای کاش ما هم می داشتیم حال می گویند : خدا است که روزی را بعنصوان آزمایش گاهی بسط می دهد و گاهی می گیرد اگر خدا بر ما منت نمی گذاشت و این نعمت فقر را به ما مرحمت نمی کرد ما هم مثل قارون به کام زمین فرو می رفتیم ، آنگاه فرمود :

" تلك الدار الآخرة نجعلها للذين "

" لا يريدون علوا في الأرض ولا قنادا "

" والعاقبة للمتقين " . ( ۲۳ )

آن دار عظیم در برابر متاع دنیا مال کسی است که قصد فخر فروشی نداشته باشد .

### فخر فروشی چندگونه است

بعضیها قارون نیستند ولی قارون زده و مختال هستند ، همچنانکه انسان گاهی نسبت به لباس یا کفش یا مقام خود که مثلا بند کفش من از بند کفش دیگری بهتر است ! یا من باید بالای مجلس بنشینم چون مقام من بالاتر است ! دستخوش دخرو خیالات می شود در صورتی که این بدتر از کار قارون است چون آن بالاخره یک لذت های ظاهری دارد ولی این فقط خیال است که می بینیم کسی جلوتر یا عقب تر وارد شود ، و این خیال ناشی از حق و دنیا زدگی است همچنانکه فرمود :

" زين للناس حب الشهوات من ... "

خیالیانی از درون خود آدم است و انسان

بلکه کار خوب ( حسن فعلی ) اگر از سو' من ( حسن فاعلی ) صادر شود ارزش دارد . تنها ایمان و اعتقاد کافی نیست ، چنانچه عمل بی عقیده هم کافی نیست .

ولی سیئه از هر کس صادر شود کبیر دارد ( مؤمن و کافر ) :

" من عمل سيئه فلا يجزيه الا مثلها " ( ۲۰ )

کسی که یک بیمارستان یا راهی ساخت یا برقی آورد یا خدمتی کرد این بهشت رفتن او را تأمین نمی کند ، گرچه هدر هم نمی رود ولی اینچنین نیست که اگر یک کار خیرری کرد ولو آدم بدی باشد بهشت برود !

" فحسبنا به و بداره الأرض فما كان "

" له من فثقه ينصرونه من دون الله و ما "

" كان من المنتصرين " ( ۲۱ )

ما بوسیله زمین ، قارون و منزل قارون را بخاک فرو بردیم ولی در روز خطر - گر چه گروه فراوانی دنباله رو داشت - کسی به نصرت او نیامد یعنی نه خود شخصی می تواند انتقام بگیرد و دفاع کند و نه نصرتی از بیرون به او می رسد ( نه ناصر هست و نه منتصر ) . سپس وقتی به تشکیلات قارون خاتمه داد فرمود :

" واصبح الذين تمنوا مكانه بالأمس "

" يقولون ويگان الله بسط الرزق لمن "

" يتا من عباده و يقدر لولا ان من "

خیال زده را در فرهنگ قرآن کریم مختال می گویند :

" ان الله لا يحب كل مختال فخور " ( ۲۴ )

و این یک سرطان و دردی است که باید آن را علاج کرد . و لذا در روایات آمده است که وقتی انسان لباس تازه در بر کرد ، مستحب است جمله هائی بگوید : خدایا این لباس نو ، ایمان مرا کهنه نکند که با پوشیدن آن فخر فروشی کنم ، بگو ترا پوشیدم که سرما نخورم و آبرویم محفوظ باشد تا اینک آبروی مرا ببری .

آری ! در شرع مقدس هیچ دستوری فرو - گذار نشده است . ادامه دارد

- ۱ - سوره ابراهیم ، آیه ۱ .
- ۲ - سوره ابراهیم ، آیه ۵ .
- ۳ - سوره قصص ، آیه ۶۰ .
- ۴ - سوره آل عمران ، آیه ۱۴ .
- ۵ - سوره قصص ، آیه ۶۱ .
- ۶ - نهج البلاغه فیض ، حکمت ۳۷۷ .
- ۷ - سوره قصص ، آیه ۷۶ .
- ۸ - مفاتیح جمع مفتوح است که بمعنی کلید یا مخزن است که بر هر تقدیر معنی فرق می کند اگر به معنی اول باشد یعنی کلیدهای خزانه او را یک گروه نیرومند به رحمت حمل می کردند و بنا بر معنای دوم یعنی مخازن موقع حاجا شدن یک گروه نیرومند را خسته می کرد .
- ۹ - سوره فجر ، آیه های ۱۶-۱۵ .
- ۱۰ - سوره قصص ، آیه ۷۷ .
- ۱۱ - سوره مائده ، آیه ۱۰۵ .
- ۱۲ - سوره اعراف ، آیه ۲۰۱ .
- ۱۳ - سوره قصص ، آیه ۷۸ .
- ۱۴ - لایسل عن ... این سوره ( قصص ) و سوره الرحمن با آیه سوره صافات ( وفقوهم أنهم مسئولون ) تعارض ندارند چون موقف سؤال و عدم سؤال مختلف است .
- ۱۵ - سوره قصص ، آیه های ۸۰-۷۹ .
- ۱۶ - حظ در ثروت است و عظمت حظ در عظمت ثروت است .
- ۱۷ - علم در اینجا بمعنی همان علمی است که در آیات متعدده قرآن از جمله : قل هل يستوی الذين يعلمون والذين لا يعلمون آمده است .
- ۱۸ - سوره والعصر ، آیه ۲ .
- ۱۹ - سوره نحل ، آیه ۹۷ .
- ۲۰ - سوره غافر ، آیه ۳۰ .
- ۲۱ - سوره قصص ، آیه ۸۱ .
- ۲۲ - سوره قصص ، آیه ۸۲ .
- ۲۳ - سوره قصص ، آیه ۸۳ .
- ۲۴ - سوره لقمان ، آیه ۱۴ .

قرآن به کسی که کار خوب می کند ارزش نمی دهد بلکه کار خوب ( حسن فعلی ) اگر از مؤمن ( حسن فاعلی ) صادر شود ارزش دارد .